



# عشق و سلطنت

مؤلف:

موسی نثری همدانی

نشر داریوش



## بخش بین المللی کتاب راونیز

کد پستی- ایران- تهران ۱۴۱۷۳-۱۱۶۶۶

۶۶۴۰۱۵۴۶ - ۶۶۹۶۱۴۹۸

telegram: @raoniz

- نام کتاب: عشق و سلطنت
- ناشر: داریوش
- نویسنده: موسی نثری همدانی
- تأیید کننده: فیبا
- چاپ، صحافی: فربسوه
- لیتوگرافی: مینیانر
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک : ۲-۵۳-۸۴۸۰-۶۰۰-۷۸

سرشناسه	نثری همدانی/موسی،
عنوان و نام پدیدآور	عشق و سلطنت / موسی نثری همدانی
مشخصات نشر	داریوش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۶۷۰ ص.
شابک	۲-۵۳-۸۴۸۰-۶۰۰-۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ۳ ۹۸ ب ۵ / ی ۸۳ AM
رده بندی دیویی	۸۳۶/۲۳ :
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۹۱۲۴۶ :

\* راونیز یکی از شهرهای دوره هخامنشی در استان خراسان شمالی است

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۷ ..... مقدمه

### بخش اول: سلطنت کوروش

۱۱ ..... فصل اول: امتحان تبارس

۲۵ ..... فصل دوم: مجلس شاهی

۳۵ ..... فصل سوم: مهمانی

۴۷ ..... فصل چهارم: ملاقات مادر و پسر

۵۵ ..... فصل پنجم: مغ بزرگ

۷۵ ..... فصل ششم: خواهش ماندن

۸۹ ..... فصل هفتم: مجلس معرفی

۱۰۵ ..... فصل هشتم: مسافرت اکباتان

۱۱۳ ..... فصل نهم: شهر بازارگاد

۱۲۷ ..... فصل دهم: شهر سارد

۱۴۱ ..... فصل یازدهم: پذیرایی رسمی

۱۴۷ ..... فصل دوازدهم: ژوپیتر

۱۶۱ ..... فصل سیزدهم: خواستگاری

۱۷۳ ..... فصل چهاردهم: وداع

۱۷۹ ..... فصل پانزدهم: نوروز

۱۸۹ ..... فصل شانزدهم: مقدمات جنگ

۱۹۷	فصل هفدهم: غوغای عشق
۲۰۹	فصل هجدهم: محاصره
۲۱۵	فصل نوزدهم: عروسی

بخش دوم: ستاره لیدی

۲۲۳	فصل اول: ژوپیتر
۲۳۷	فصل دوم: خبر وحشت‌انگیز
۲۵۹	فصل سوم: تغییر حال
۲۶۷	فصل چهارم: مانع سیاسی
۲۷۵	فصل پنجم: مسافرت
۲۸۷	فصل ششم: سیاگزار
۲۹۷	فصل هفتم: نیاک
۳۰۹	فصل هشتم: نامه
۳۱۷	فصل نهم: ستر
۳۳۷	فصل دهم: برج
۳۴۹	فصل یازدهم: میدان جنگ
۳۵۷	فصل دوازدهم: قلعه سارد
۳۷۱	فصل سیزدهم: باغ گلستان
۳۷۷	فصل چهاردهم: انگشتر
۳۸۹	فصل پانزدهم: عروسی

بخش سوم: شاهزاده بابلی

۳۹۷	فصل اول: شاهزاده خانم بابلی
۴۰۱	فصل دوم: نی نیپ
۴۰۵	فصل سوم: شهر کوتاکه
۴۰۹	فصل چهارم: برج رب النوع
۴۱۳	فصل پنجم: منجم
۴۱۹	فصل ششم: رصدخانه
۴۲۷	فصل هفتم: شهر سلطنتی
۴۳۷	فصل هشتم: منجم‌باشی

- ۴۴۳ ..... فصل نهم: دختر بلیت
- ۴۵۳ ..... فصل دهم: آسوردان
- ۴۵۹ ..... فصل یازدهم: خانه مصری
- ۴۶۹ ..... فصل دوازدهم: عشق تازه
- ۴۸۱ ..... فصل سیزدهم: شهر فرات
- ۴۹۱ ..... فصل چهاردهم: دختر مصری
- ۴۹۷ ..... فصل پانزدهم: جادوگر
- ۵۰۷ ..... فصل شانزدهم: ورد چهارم
- ۵۱۳ ..... فصل هفدهم: قصر واژگون
- ۵۱۷ ..... فصل هجدهم: ربودن اریدیس
- ۵۲۳ ..... فصل نوزدهم: شجاعت
- ۵۲۷ ..... فصل بیستم: خالوات
- ۵۳۳ ..... فصل بیست و یکم: وطنه
- ۵۳۹ ..... فصل بیست و دویم: شترآده مدی
- ۵۴۳ ..... فصل بیست و سوم: محب بل
- ۵۴۹ ..... فصل بیست و چهارم: ادا بل
- ۵۵۳ ..... فصل بیست و پنجم: دختر شیر
- ۵۶۱ ..... فصل بیست و ششم: پیام
- ۵۶۹ ..... فصل بیست و هفتم: مصریه
- ۵۷۷ ..... فصل بیست و هشتم: عزیمت به سمت کوتا
- ۵۸۳ ..... فصل بیست و نهم: بعد از چند سال
- ۵۸۹ ..... فصل سیام: خاطرات عشق مصریه
- ۵۹۹ ..... فصل سی و یکم: کوروش پادشاه فارس و مد و لیدی
- ۶۰۳ ..... فصل سی و دوم: شهر استخر یا استاخر
- ۶۱۵ ..... فصل سی و سوم: جنگ با احساسات قلبی برابر با مغلوبیت
- ۶۲۱ ..... فصل سی و چهارم: مصاحب با مصریه
- ۶۲۷ ..... فصل سی و پنجم: ورود کامبیز
- ۶۳۱ ..... فصل سی و ششم: رفع سوءظن
- ۶۳۹ ..... فصل سی و هفتم: منجمین سلطان
- ۶۴۵ ..... فصل سی و هشتم: فتح بابل

- فصل سی و نهم: مشاهده استحكامات بابل..... ۶۴۹
- فصل چهلم: امرای كلدۀ..... ۶۵۱
- فصل چهل و يكم: شناسایی اطراف بابل و فتح آن..... ۶۵۵
- فصل چهل و دوم: روز قبل از عيد و فتح قصر..... ۶۵۹
- فصل چهل و سوم: فتح قصر و بابل..... ۶۶۱
- فصل چهل و چهارم: تصرف برجهای بابل و شهر سلطنتی..... ۶۶۳
- فصل چهل و پنجم: برآمدن آرزوها..... ۶۶۷

www.ketab.ir

سنگ برجسته‌های پرسپولیس یا شهر پاریس برجسته کوروش که بر تختی زرین نشسته در پیدایش رویش نمایندگان ملت‌های مختلف به ستایش ایستادند تا از او نوازش ببینند و حکومت خویش را تثبیت کنند دیگر افسانه نیست واقعیتی که هنوز می‌توان بر عمق آبرو و اعزاز در پیش رویمان ببینیم.

و همین سنگ برشته شده و همان نقش برجسته‌ها دستمایه تاریخ نویسان شد تا با کندوکاوی عمیق‌تر واقعیت‌های تاریخی را ز پس غبار زمانه باز شناسند و باز شناسانند و امروزه به یمن تلاش‌هاست که می‌دانیم که نیاکان ما چه غرور آفرین بوده‌اند و می‌دانیم ریشه در حدی داریم که زمانی امید همه جهانیان بوده است و ما مردمی هستیم که زمانی تمدنی را بنیاد نهادیم که در شکوه و عظمت بر تمدن عظیم یونان برتری داشته و سایه خویش را بر تمدن‌های زمانه‌اش می‌گسترانده است. اما تاریخ با همه تدقیق و تحقیقی که در زمانه‌های گذشته خاص می‌کند قادر نیست همه وقایعی که بر مردمی در زمانه‌های مشخص گذشته است بکاود و بشناسد و حتی با آن که تاریخ به انشعابات و اکتشافات مختلف چون تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آنها تقسیم شده، باز هم قادر نیست همه کنجکاو‌ها را پاسخ گوید و بسیاری از رخدادهای تاریخی از چشم‌های محققان دور مانده و قابل بازشناسی نیست و در اینجا است که عنصر خیال به یاری انسان می‌آید و به نیاز پاسخ می‌گوید که هرگز تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی با همه دقت و تدقیقی که به عمل می‌آورد قادر به برآوردن آن نیست و آن عنصر خیال و آن مایه واقعیت بیرونی یعنی دستاوردهای محققین تاریخی و باستان‌شناسان در هم می‌آمیزد و اثری را می‌آفریند که رمان تاریخی است. رمان نویس تاریخی با بال‌های خیال به قلمرویی پرواز می‌کند که محققان تاریخ و باستان‌شناسان دست واقعیتشان بدان

نمی‌رسد رمان نویس تاریخی به دقیق‌ترین و جزئی‌ترین روابط انسانی با تکیه بر خصوصیات انسان و نیز پشتوانه‌ها و نیز پشتوانه‌ها و اسناد تاریخی می‌پردازد و از آمیختن عنصر خیال اثری را خلق می‌کند که اگرچه رمان است اما می‌تواند و به یقین نیز می‌تواند واقعیت باشد چراکه رمان‌نویس همانند هر محقق قادر نیست واقعیت را واژگونه و مغلوب نشان دهد و تنها در چرایی و تبیین رخدادها عناصر تازه‌ای را وارد می‌کند که مورخین و محققین تاریخی اجازه وارد کردن آن عناصر را در تحقیقشان ندارند و به همین روی رمان تاریخی دارای دو مزیت است اول آنکه رمان است و جذابیت رمان را دارد و دوم آن که خواننده در عین حال که می‌داند رمان می‌خواند بی‌اراده با گوشه‌های تاریک تاریخ آشنا می‌شود و خود همگام با رمان‌نویس دنیایی را کشف می‌کند که مورخ هرگز قادر به شناساندن آن نیست.

رمان تاریخی عشق و سلطنت نیز برخوردار است از همه مزایا و خصوصیات یک رمان تاریخی است. نگاه‌های است تاریخی به ورود پارس‌ها به قلمرو مادها و غلبه پارسها بر مادها و تاسیل حکومت هخامنشیان با همه شکوه و عظمتی که در نقش برجسته‌های شهر پارس نحت میشد می‌بینیم، اما کنار این وقایع مضبوط تاریخی رخدادهایی واقع می‌شود که عمیقاً ریشه در عواطف انسان دارد و این بار تاریخ از زوایه عاطفه انسانی و اتفاقاً در بفرس آن‌ها یعنی «عشق» نوشته شده است و همین عشق است که زمینه ساز وقایع می‌شود که امپراطوری را بنیاد می‌نهد و حکومتی را سرنگون می‌سازد. در هر حال هر چه می‌اندیشیم هرگز نخواهیم توانست عنصر عاطفه را از عرصه روابط انسانی کنار بگذاریم که عاطفه در وجود ما به ودیعت نهاده شده است و آن هم با چه لطافت و چه ظرافتی تا آنجا که بی‌عشق نوشتن، انکار واقعیتی است که پژوهش را ناقص می‌گرداند.

اکنون ملت ما در مقطعی از تاریخ ایستاده است که در تهاجم انواع فرهنگ‌هاست که به ضرب و زور تکنولوژی قصد تحمیل آن را دارند و اگر به گذشته شکوهمند خویش باز ننگریم و خود را بی‌ریشه بدانیم، بی‌ریشه شدن و تهاجمی که وزیدن گرفته، ما را چون توده خاشاکی از جای برخواهد کند و در ورطه فراموشی خواهد افکند.

نگاهی به پشت سر و شکوهی که داشته‌ایم، ما را مطمئن می‌سازد که می‌توانیم و حتماً نیز می‌توانیم تمدنی بی‌افرینیم عظیم تراز گذشته که نه تنها اجازه ندهیم طومار تمدن امروزمین ما با این تهاجم در هم پیچیده شود که دیگر تمدن‌ها و حتی فرهنگ‌های مهاجم را در خود مستحیل گردانیم.